

ترجمہ و شرح لغوی و بلاغی معلقات سبع

شاعر: شعری پیش از اسلام

(مرد القیس، طرفہ بن العبد، زہیر بن ابی سلمی، لبید بن

ربیعہ، عمرو بن کلثوم، عنترہ بن شداد، ہارث بن حلزہ)

مترجم و شرح: عبدالعلی دیلمی

تایستان ۱۳۹۱

شناسنامه کتاب

سرشناسه: دیلمی عبدالعلی، ۱۳۳۹

عنوان قراردادی: شرح المعلقات السبع، فارسی، برگزیده، شرح

عنوان و نام پدیدآور: ترجمه و شرح لغوی معلقات سبع / مترجم و شارح عبدالعلی دیلمی.

مشخصات نشر: اهواز: عبدالعلی دیلمی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۶۹ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰-۱۰۵۵-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر شرح برگزیده‌ای از کتاب "شرح المعلقات السبع" اثر حسین بن احمد زوزنی است.

موضوع: زوزنی، حسین بن احمد، - ۴۸۶ق.، شرح المعلقات السبع -- مسائل ادبی

موضوع: شعر عربی -- پیش از اسلام -- تاریخ و نقد

موضوع: Arabic poetry - To ۲۲ -- History and criticism

موضوع: شعر عربی -- پیش از اسلام -- مجموعه‌ها

موضوع: Arabic poetry -- 1. ۶۲۲-- Collections

موضوع: شاعران عرب -- پیش از اسلام

موضوع: Poets, Arab - Pre islamic

شناسه افزوده: زوزنی، حسین بن احمد، - ۴۸۶ق.، شرح المعلقات السبع، شرح

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۱۳۰۸۴ ۶۹۳۰۸۴ / ۶۰۶ P ۱

رده‌بندی دیویی: ۸۹۲/۷۱۱۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۲۷۴۲۱

معلقات سبع

دکتر عبدالعلی دیلمی

صفحه آرای: عارف دیلمی

طراح جلد: سید محمد رضا عالم زاده

ایمیل مترجم: almobin1390@yahoo.com

۷	مقدمه‌ی مترجم.....
۱۲	شیوه‌ی کار بر معلقات سبع.....
۱۵	إمرؤ القیس.....
۱۶	معلقه‌ی إمرئ القیس.....
۲۰	شرح لغوی.....
۳۹	ترجمه.....
۵۰	شرح لغوی.....
۵۹	طَرَفَة بن عَبْد.....
۶۰	معلقه‌ی طَرَفَة بن عَبْد.....
۶۴	شرح لغوی.....
۸۲	ترجمه.....
۹۶	شرح بلاغی.....
۱۰۳	زُهَیْر بن اَبی سُلَی.....
۱۰۷	شرح لغوی.....
۱۱۸	ترجمه.....
۱۲۷	شرح بلاغی.....
۱۳۳	لَیْد بن رَبِیعَه.....
۱۳۴	معلقه‌ی لَیْد.....
۱۳۷	شرح لغوی.....
۱۵۳	ترجمه.....
۱۶۵	شرح بلاغی.....
۱۷۱	عَمْرُو بن کُثُوم.....
۱۷۲	معلقه‌ی عَمْرُو بن کُثُوم.....

۱۷۶.....	شرح لغوی.....
۱۸۷.....	ترجمه.....
۱۹۹.....	شرح بلاغی.....
۲۰۷.....	عَنْتَرَة بن شَدَاد.....
۲۰۸.....	معلقه ی عَنْتَرَة.....
۲۱۱.....	شرح لغوی.....
۲۲۲.....	ترجمه.....
۲۳۱.....	شرح بلاغی.....
۲۳۷.....	حَارِث بن حِلْزَه.....
۲۳۸.....	معلقه ی حَارِث بن حِزْر.....
۲۵۰.....	ترجمه.....
۲۶۱.....	شرح بلاغی.....

مقدمه‌ی مترجم

در وجه تسمیه‌ی معلقات اغلب نظر بر این است که چون به جهت اعجاب از سوی شعرشناسان، بر چهارگوشه‌ی کعبه آویختند چنین نامی بر این قصاید هفتگانه نهادند با این وجود نام‌های دیگری هم از بهرشان ذکر کرده‌اند؛ از جمله «سموط» که به معنای رشته گوه‌رهای آویخته بر گردن زیبارویان است. اما وجه تسمیه هرچه باشد این چکامه‌های هفت یا دهگانه در برگزیده‌ی گزیده‌ترین اشعار پیش از اسلام است؛ با ویژگی‌هایی چون محصولی از فطرت و ارتجالی بودن، بر خودار بودن از صنایع بیان و بدیع به گونه‌ای عَفْوِی؛ همزمان با موسیقی طنین انداز، سبک در معانی، و از آنجا که بر اندیشه و زندگی شاعر جاهلی سادگی مسلط بود، هم از این رو کمبود پویندگی در سروده‌هایش ملحوظ است. شاعر جاهلی سرد و خشک و حماسه است؛ از این رو از تخیلات عمیق فاصله داشته است؛ همچنان که سروده‌هایش از منطق و ترتیب عقلی خالیست و در بسیاری از اشعارش وحدت تألیف دیده نمی‌شود؛ با این قید که چکامه‌های زُهِیر و حارث ابن حِلْزَه و نابغه‌ی دبیلای از چنین وحدتی برخوردارند.

در شعر جاهلی ساختار قصیده از جهت معنا از قسمت‌های جداگانه‌ای تشکیل یافته است. شاعر بدوی چون قصد سرودن شعری کند بی هیچ تکلفی نخست از ایستادن بر اطلال و آثار خانه‌ی محبوب سخن آغاز می‌کند و خاطرات

گذشته را به یاد می آورد و به یاد آن ایام ترانه سرایی می کند. محبوب شاعر جاهلی عادتاً معشوق یا همسر اوست که شاعر با دیدن اطلال یاد و خاطره اش را در ذهنش زنده می سازد. شاعر پس از گریستن، به شعر خود ادامه می دهد و به توصیف مرکب خویش می پردازد؛ همو که بهترین انیس و رفیق سفرش می باشد و به یارش بیابان های خشک و پهناور را در می نوردد. شاعر، سرعت، قدرت، صلابت و حتی اندام های مرکبش را وصف می کند و آن را به وحوش صحرا همانند می سازد. او آن قدر در وصف ناقه اش غرقه می شود که خویش را فراموش می کند. پس از آن به پادشاهش می رسد و قصیده به ستایش ممدوح یا ستیز و یا پوزش خواهی می رسد. انتقال شاعر به این اهداف در بسیاری موارد ناگهانی شکل می گیرد.^۱ صور خیال در شعر جاهلی اغلب محسوسند؛ ابزار صور خیالش غالباً تشبیه یا استعاره است. به طریقی در شعر جاهلی تشبیه و انواع آن به ویژه تشبیه تمثیل نقش مهمی ایفا می کند. تصویر سازی اصل مهمی از اصول صنعت شعر جاهلی است. شعر جاهلی که از ویژگی های اساسیش خطابی بودن است؛ عباراتش متین، الفاظش پر صلابت و مضامینش همراه با خشونت است. غموض اگر در شعر جاهلی باشد بدین سبب است که او می خواهد ایجاز و اختصار را رعایت نماید؛ هم از این رو در اشاره به واقعه ای به تلمیح اکتفا می کند؛ واقعه ای که جهت اطلاع از چگونگیش باید به تاریخ

۱. رجوع شود به تاریخ ادبیات زبان عربی، تألیف: حنا الفاخوری، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، ص ۴۶-۴۳.

مراجعه کرد، نیز گاهی غموض به سبب وجود الفاظیست که در زمان ما از استعمال افتاده است.^۱

جهت تکمیل تصویری از کیفیت و شأن معلقات علاوه بر نظرهای صاحب کتاب ارزشمند تاریخ الأدب العربی که عادتاً انگشت بر ایرادها و اشکالات می‌گذارد باید به این واقعیت هم اشاره نمود که معلقات سبع و به طور کلی اشعار جاهلی علاوه بر فخامت در الفاظ مفرد و مرکب از حیث موسیقی بیرونی (بحر) و میانی (قافیه) مُطَنَّن و گوش نواز و باشکوه‌ند؛ همچنان که از جهت داد و ستد، سو، خیال (تابلوهای محسوس شعری) که اغلب بر پایه‌ی تشبیه‌های تمثیل صورت می‌گیرد فوق العاده‌اند و ما در جای خود به بیان آنها و عیان نمودن دقت شاعر در تزیینشان خواهیم پرداخت.

مضاف بر این شعر جاهلی مهم‌ترین سند تاریخ آن روزهای عرب است و در این مجال داده‌های فراوانی در بر دارد؛ تا آنجا که آن را به حق «دیوان العرب» گفته‌اند. شعر جاهلی، ما را از اوضاع و احوال جغرافیایی جزیره العرب و مناطق مختلفش آگاه می‌سازد و از اوضاع اجتماعی و آداب و اخلاق و عادات و انساب و آثار و نیز جنگ‌ها و درگیری‌های قبایل عرب، نیز از وضعیت اقامت و کوچشان و شیوه‌ی خوردن و آشامیدن و انواع غذاها و نوشیدنی‌ها و لباس‌ها و زیور و زینت‌ها مطلع می‌سازد. همچنانکه در لابلا‌ی سروده‌های جاهلی داده‌هایی

۱. رجوع شود به همان منبع همان صص.

پیرامون ادیان و مذاهب و علوم و معارف و صنعت‌های این قوم حاصل می‌شود.^۱

اوصاف، ویژگی‌ها و فوائد شعر جاهلی هرچه باشد از آن تاریخ به بعد اما معدن و سرچشمه‌ی شعر گردیدند؛ از صدر اسلام گرفته تا عهد بنی‌امیه و بنی‌عباس و کم و بیش پس از آنها؛ همچنان که تأثیرات شعر جاهلی در دیگر زبان‌ها به ویژه زبان فارسی سرایت کرده است. علاوه بر موضوع و بحر و تصویر سازی، شعرای بنام، قافیه‌ها را خوش می‌داشتند و بر سبک و سیاقشان شعر می‌سرودند. به عنوان مثال شاعر نام آور قرن چهارم، متنبی از سبک و سیاق و حتی قافیه‌ی برخی از اصحاب مَعْلَقَاتِ الْکُو گرفته است؛ از جمله قصیده‌ی او در وصف سگ شکاری (ج ۱، ص ۲۶۵، شرح یازجی) و با مطلع:

و منزلِ لیس لنا بمنزلٍ... ولا لغيرِ العادیاتِ الهُطُلِ

و یا قصیده‌ی ابونواس با این مطلع:

و قد اغتدی واللیل فی اعتکاره... بأغصَفِ یموجُ فی شَمارِ

هر دوی این قصیده بر سبک و سیاق معلقه‌ی امریاء القیس سروده شده

است، با مطلع:

قفا نَبِکَ مِنْ ذَکَرِی حَبِیبٍ و منزلٍ... بسقط اللّوی بینَ الدّخولِ فحَومِلِ

متنبی چند قصیده دارد که بر سبک و سیاق همزیه‌ی حارث ابن حلزّه (أَدْنَتْنا ببينها أسماء... رَبُّ ثاوٍ يُمَلِّ منه الثَّوَاءُ) سروده شده است؛ از جمله در قصیده‌ی عقاب لبنان (ج ۱، ص ۳۰۸، شرح یازجی) با این مطلع:

أَمِنْ اَزْدِيَارِك فِي الدُّجَى الرِّقْبَاءُ... إِذْ حَيْثُ كُنْتَ مِنَ الظَّلَامِ ضِيَاءُ

و در قصیده‌ای دیگر در پاسخ به سروده‌ی یک شاعر (ج ۲، ص ۱۱۹، شرح یازجی) با این مطلع:

قَدْ سَمِعْنَا مَا قُلْتَ فِي الْأَحْلَامِ... وَأَنْلَنَّاكَ بِدَرَّةٍ فِي الْمَنَامِ

نیز یکی دیگر در مدح ابوشجاع فاتک (ج ۲، ص ۳۰۰، شرح یازجی) با این مطلع:

لَا خَيْلَ عِنْدَكَ تَهْدِيهِمْ ۖ مَا لَ... فَالْيُسْعِدِ النُّطُقُ أَنْ لَمْ يُسْعِدِ الْحَالُ

الگوگیری از شعر جاهلی به وسیله معلقات توسط شعرای نام آور ادب فارسی حد اقل از جهت أخذ مضامین و تصویرسازی نیز انجام گرفته است؛ به عنوان مثال سعدی در این شعر:

شنیدم در ایام حاتم که بود... به خیل از ریش و دپایی چو رود

صبا سرعتی رعد بانگ ادهمی... که بر برق پیشی گزینی همی

یکی سیل رفتارهامون نورد... که باد از پی اش باز ماندی چو گرد

پیداست که او از معلقه‌ی امریء القیس و دقیقا از این بیت در وصف اسب الگو گرفته است^۱:

مِکْرٌ مَفْرٌ مُقْبِلٌ مُدْبِرٌ مَعَا... کجلمودِ صخرِ حطَّه السَّیْلُ مِنْ عَلی

شیوه‌ی کار، بره معلقات سبع:

پس از کار بر مقامات بدیع الزمان و ترجمه و شرح لغوی و بلاغی آن، شوق و رغبت بنده نسبت به دیگر مآثر کلاسیک افزون گردید؛ نخست دیوان متنبی را برگزیدم و کار ترجمه و شرح آن را آغاز نمودم اما همچنان پس از سه سال به ساحل این دریا نرسیدم؛ از این رو ضمن ادا‌ی این کار سترگ به فکر کار دیگری افتادم که ظرف یک سال یا کمتر قابل انجام باشد؛ و چنین شد که ابتدا ترجمه‌ی کتاب ارزشمند «الجامع فی تاریخ الأدب العربی، الأدب الحدیث، حنا الفاخوری» را به انجام رساندم سپس به سراغ معلقات رفتم که از نظر بهترین گزینه است، پس به ترجمه و شرح لغوی و بلاغیش پرداختم و به لایف خدا به سرانجامش رساندم. ناگفته پیداست که پیش از این، دو تن از بزرگان علم و ادب معلقات را ترجمه و شرح لغوی داده‌اند. این جانب ضمن مطالعه و بررسی کار این دو بزرگوار ملاحظه نمودم که مرحوم آیتی در کار ترجمه و شرح لغوی به تلخیص و ایجاز همزمان با بیان ادبی و هنرمندانه تکیه نموده‌اند، اما دیده شد

که گاهی ابهام و گاهی اغماض در ذکر نکته‌ها و یا کلی گویی در ترجمه، در کارش ارزشمندش آشکار است. مترجم و شارح دوم مرحوم ترجمانی زاده است که بر شیوه‌ی زوزنی شارح سخت کوش و معروف معلقات عمل نموده‌اند و بنابراین تلاش‌هایش متّصف به توضیح و بسط و پرداختن به نکته‌های ریز و احیاناً غیر ضروری گشته است؛ همچنانکه تفکیکی میان شروح و نکات صورت نگرفته است. آشکار است که مترجم در نبود امکانات فضای مجازی در آن زمان زحمت فوق‌العاده‌ای متحمّل شده‌اند.

این جانب با سره‌ء کار هم دغدغه‌ی بیان ادیبانه‌ی مرحوم آیتی را داشتم و هم توضیحات دقیق مرحوم ترجمانی زاده اما با این وجود اصرار بر این داشتم که هرکدام از کار ترجمه و شرح لغوی و بلاغی جداگانه باشد و نکات ریز از جمله نکات نحوی در پاورقی درج بسود؛ همچنانکه سهولت، سادگی و دقت در ترجمه به جد مد نظر بوده است. گفتنی است که در ترجمه و شرح این اثر گرانسنگ شعری از منابع متعددی استفاده شده است نه در رأس آنها شرح زوزنی و مجانی الحدیثی پدر لویس شیخوست.

شرح بلاغی اما که شامل سراسر متن معلقات می‌شود انگیزه‌ی مستقل و مؤثر دیگری بوده است که مرا به انجام چنین کاری سوق می‌داده است. در شرح بلاغی به نکاتی که زوزنی این جا و آن جا به آنها اشاره نموده است بسنده نکردم بلکه بیان هیچ صنعتی که مد نظرم بوده را ناگفته نگذاشتم، از جمله:

کنایه (بجز کنایه‌های واضح و آشکار)، استعاره و انواعش، مجاز عقلی و مرسل، جناس اشتقاق، طباق، تجرید، رد العجز علی الصدر و تشبیه تمثیل و... و در موارد زیادی صور خیال اگر زیبا و دقیق ترسیم شده باشد.

لازم به ذکر است که بسامد صنعت تشبیه تمثیل نسبت به صنایع دیگر در متن معلقات بیشتر یافت شده است.

در پایان از خوانندگانی عزیز به ویژه ادب دوستان و محققان ارجمند انتظار دارم از یادآوری خطاهای استثنائی و بی دقتی‌ها دریغ نورزند تا در چاپ‌های بعدی جهت ویرایش مجدد مورد استغفار قرار گیرد.

والحمد لله علی ما هدانا

عبدالعلی دیلمی- تیرماه ۱۳۹۷